

## ملحق (۱): بعض روایات کتابة الوصية أو الهم بکتابتها في كتب الشيعة والسنة

پیوست ۱: بعضی از روایت‌های کتابت وصیت یا تأکید  
بر نوشتن وصیت، در کتاب‌های شیعه و اهل سنت

أولاً: في كتب الشيعة

اول: کتاب‌های شیعه

أ- روایات تؤكد صدور الوصية:

الف- روایاتی که بر نوشتن وصیت تأکید دارد:

الكليني: [5- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): الْوَصِيَّةُ حَقٌّ وَقَدْ أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَيَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يُوصِيَ] الكافي: ج ۷ ص ۳.

1- امام باقر (ع) فرمود: «وصیت حق است و رسول الله (ص)

وصیت نمود؛ پس شایسته است که مسلمان وصیت کند» (کافی: ج ۷

ص ۳).

و عنه أيضاً: [4- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ الْمُسْتَفَادِ أَبِي مُوسَى الضَّرِيرِ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْيَسَّ كَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) كَاتِبَ الْوَصِيَّةِ وَرَسُولِ اللَّهِ (ص) الْمُمْلِي عَلَيْهِ وَجَبْرَيْلُ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ (ع) شُهُودٌ. قَالَ: فَأَطْرَقَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ قَدْ كَانَ مَا قُلْتُ .....] الكافي: ج ۱ ص ۲۸۱.

2- امام موسی کاظم (ع) می فرماید: «به امام صادق (ع) عرض نمودم: آیا این گونه بود که امیرالمؤمنین (ع) نویسنده و رسول الله (ص) املا (دیکته) کننده ی وصیت و جبرئیل و فرشتگان مقرب شاهد باشند؟ (امام کاظم (ع)) فرمود: (امام صادق (ع)) مدت طولانی سکوت نمود؛ سپس فرمود: ای ابالحسن! همین گونه بود که گفتمی....» (کافی: ج ۱ ص ۲۸۱)

و عنه ایضاً: [5- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍو عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: أَوْصَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِلَى الْحَسَنِ وَأَشْهَدَ عَلِيَّ وَصِيَّتَهُ الْحُسَيْنَ (ع) وَمُحَمَّدًا وَجَمِيعَ وُلْدِهِ وَرُؤَسَاءَ شِيعَتِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ ثُمَّ دَفَعَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ وَالسَّلَاحَ ثُمَّ قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ: يَا بُنَيَّ أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ أَنْ أَوْصِيَ إِلَيْكَ وَأَنْ أَدْفَعَ إِلَيْكَ كُتُبِي وَسِلَاحِي كَمَا أَوْصَى إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ وَدَفَعَ إِلَيَّ كُتُبَهُ وَسِلَاحَهُ وَأَمَرَنِي أَنْ أَمْرَكَ إِذَا حَضَرَكَ الْمَوْتُ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَى أَخِيكَ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ ابْنَهُ الْحُسَيْنِ وَقَالَ: أَمْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَى ابْنِكَ هَذَا ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ ابْنِ ابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ: يَا بُنَيَّ وَأَمْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَى ابْنِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَقْرَأَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَمِنِّي السَّلَامَ ...] الكافي: ج ۱ ص ۲۹۸.

3- امام باقر (ع) فرمود: «امیرالمؤمنین (ع) به حسن (ع) وصیت نمود و بر وصیت خود حسین (ع) و محمد و همه ی فرزندان و رؤسای شیعیانش و اهل بیتش را شاهد گرفت. سپس کتاب و سلاح را به او داد. سپس به فرزندش (حسن (ع)) فرمود: ای فرزندم! رسول الله (ص) به من دستور داد تا به تو وصیت کنم و کتابها و سلاح خود را به تو بدهم، همان گونه که رسول الله (ص) به من وصیت نمود و کتابها و سلاحش را به من داد، و به من دستور داد تا به تو دستور دهم وقتی زمان مرگت رسید، آن را به برادرت (حسین) بدهی. سپس رو به فرزندش، حسین نمود و فرمود: رسول الله (ص) به تو دستور داده است تا آن را به این فرزندت بدهی. سپس دست فرزند فرزندش، علی بن حسین (ص) را گرفت و به او فرمود: ای فرزندم، رسول الله (ص) به تو دستور داده

است که آن را به فرزندت، محمد بدهی و از سوی رسول الله (ص) و من به او سلام برسان....» (کافی: ج ۱ ص ۲۹۸).

کتاب سلیم: [عن سلیم بن قیس، قال: سمعت سلمان يقول: سمعت علياً (ع) - بعد ما قال ذلك الرجل ما قال و غضب رسول الله (ص) و دفع الكتف - : ألا نسأل رسول الله (ص) عن الذي كان أراد أن يكتب في الكتف مما لو كتبه لم يضل أحد ولم يختلف اثنان؟ فسكت حتى إذا قام من في البيت و بقي علي و فاطمة و الحسن و الحسين (ع) و ذهبنا نقوم أنا و صاحبي أبو ذر و المقداد، قال لنا علي (ع): إجلسوا. فأراد أن يسأل رسول الله (ص) و نحن نسمع، فابتدأه رسول الله (ص) فقال: (... و أن الله قد قضى الفرقة و الاختلاف على أمتي من بعدي، فأمرني أن أكتب ذلك الكتاب الذي أردت أن أكتبه في الكتف لك و أشهد هؤلاء الثلاثة عليه، ادع لي بصحيفة). فأتى بها، فأملى عليه أسماء الأئمة الهداة من بعده رجلاً رجلاً و علي (ع) يخطه بيده. و قال (ص): إني أشهدكم إن أخي و وزيري و وارثي و خليفتي في أمتي علي بن أبي طالب، ثم الحسن ثم الحسين ثم من بعدهم تسعة من ولد الحسين. ثم لم أحفظ منهم غير رجلين علي و محمد، ثم اشتبه الآخرون من أسماء الأئمة (ع)، غير أنني سمعت صفة المهدي و عدله و عمله و أن الله يملأ به الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً. ثم قال النبي (ص): إني أردت أن أكتب هذا ثم أخرج به إلى المسجد ثم أدعو العامة فأقرأه عليهم و أشهدهم عليه. فأبى الله و قضى ما أراد.

ثم قال سلیم: فلقيت أبا ذر و المقداد في إمارة عثمان فحدثاني. ثم لقيت علياً (ع) بالكوفة و الحسن و الحسين عليهما السلام فحدثاني به سرا ما زادوا و لا نقصوا كأنما ينطقون بلسان واحد] كتاب سلیم بن قیس: ص ۳۹۸ - ۳۹۹، تحقيق الأنصاري.

4- سلیم بن قیس می گوید: از سلمان شنیدم که می گفت: از علی (ع) شنیدم - بعد از این که آن مرد آن جمله را گفت و رسول الله (ص) خشمگین شد و کتف را انداخت - که گفت: «آیا از رسول الله (ص) در مورد چیزی که می خواست در کتف بنویسد، سؤال نکنیم؟ چیزی که اگر می نوشت هیچ فردی گمراه نمی شد و هیچ دو نفری با هم اختلاف نمی کردند؟». (حضرت) سکوت نمود تا این که افرادی که در خانه بودند، بلند شدند (و رفتند) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) ماندند. من و دوستم ابوذر و مقداد بلند شدیم تا برویم. علی (ع) به ما فرمود: «بنشینید». حضرت، از

رسول الله (ص) پرسید و ما می شنیدیم. رسول الله (ص) آغاز نمود و فرمود: «... خداوند، بعد از من برای امت من جدایی و اختلاف را خواسته است. به من دستور داد تا آن نوشته‌ای که در کتف برای تو می خواستم بنویسم، بنویسم، و این سه نفر را براین مطلب شاهد بگیرم. صحیفه (کاغذ) ی برایم بیاورید». آن را آوردند. رسول الله (ص) نام‌های امامان هدایت بعد از خود را یکی یکی فرمود و علی (ع) با دست خود می نوشت. (رسول الله (ص)) فرمود: «من شما را شاهد می گیرم که برادر، وزیر، وارث و خلیفه‌ی من در امتم، علی بن ابی طالب است، سپس حسن، سپس حسین و بعد از آنها نه فرد از فرزندان حسین می باشند». ولی من فقط نام دو نفر از آنها را به خاطر سپردم: علی و محمد؛ و از نام بقیه‌ی امامان (ع) مطمئن نیستم، ولی ویژگی مهدی و عدالت و علم او را شنیدم و این که خداوند به واسطه‌ی او زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که از ظلم جور پر شده بود. سپس پیامبر (ص) فرمود: «من می خواستم این را بنویسم، سپس با آن به مسجد بروم، سپس مردم را دعوت کنم و آن را برای مردم بخوانم و آنها را بر آن گواه بگیرم؛ ولی خداوند نخواست و آنچه خواست خودش بود، اراده فرمود.»

سپس سلیم گفت: ابوذر و مقداد را در زمان خلافت عثمان دیدم؛ با من سخن گفتند. سپس علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) را در کوفه دیدم. در مورد آن با من پنهانی سخن گفتند؛ نه چیزی اضافه کردند و نه چیزی کم نمودند، انگار با یک زبان سخن می گفتند. (کتاب سلیم بن قیس: ص ۳۹۸ - ۳۹۹، تحقیق انصاری)

سلیم بن قیس عن علي (ع): [يا طلحة، ألسنت قد شهدت رسول الله (ص) حين دعا بالكتف ليكتب فيها ما لا تضل الأمة ولا تختلف، فقال صاحبك ما قال: (إن نبي الله يهجر) فغضب رسول الله (ص) ثم تركها؟ قال: بلى، قد شهدت ذاك. قال: فإنكم لما خرجتم أخبرني بذلك رسول الله (ص) وبالذي أراد أن يكتب فيها وأن يشهد عليها العامة. فأخبره جبرائيل: (أن الله عز وجل قد علم من الأمة الاختلاف والفرقة)، ثم

دعا بصحيفة فأملى علي ما أراد أن يكتب في الكتف وأشهد على ذلك ثلاثة رهط: سلمان وأبا ذر والمقداد، وسمى من يكون من أئمة الهدى الذين أمر الله بطاعتهم إلى يوم القيامة ...] كتاب سليم بن قيس: ص ٢١١، تحقيق الأنصاري.

5- سليم بن قيس: امام على (ع) می فرماید: «ای طلحه! آیا شاهد نبودی زمانی که رسول الله (ص) کتف خواست تا در آن چیزی بنویسد که امت، گمراه نشوند و با هم اختلاف نداشته باشند، دوست تو آن مطلب را گفت: «پیامبر خدا هذیان می گوید». رسول الله (ص) خشمگین شدند و آن کار را انجام ندادند؟ (طلحه) گفت: بله، شاهد این جریان بودم. (علی (ع)) فرمود: وقتی شما بیرون رفتید، رسول الله (ص) از آنچه می خواست بنویسد و مردم را بر آن شاهد بگیرد، مَرَا آگاه نمود. جبرئیل به او خبر داد: «خدای عزوجل، از امت (تو) اختلاف و جدایی را دانست». سپس صحیفه ای خواست و آنچه می خواست در کتف بنویسد را بر من املا (دیگته) نمود و بر آن سه فرد را به عنوان شاهد گرفت: سلمان و ابوذر و مقداد؛ و نام امامان هدایت، همان افرادی که به اطاعت از آنها امر شدیم را تا روز قیامت بیان نمود...». (کتاب سليم بن قيس: ص ٢١١، تحقيق انصاري)

سليم بن قيس عن ابن عباس: [لقد دخلت على علي (ع) بذي قار، فأخرج إلي صحيفة وقال لي: يا ابن عباس، هذه صحيفة أملاها علي رسول الله (ص) وخطي بيدي. فقلت: يا أمير المؤمنين، اقرأها علي فقرأها، فإذا فيها كل شيء كان منذ قبض رسول الله (ص) إلى مقتل الحسين (ع) وكيف يقتل ومن يقتله ومن ينصره ومن يستشهد معه. فبكي بكاء شديداً وأبكاني. فكان فيما قرأه عليّ: كيف يصنع به وكيف يستشهد فاطمة وكيف يستشهد الحسن ابنه وكيف تغدر به الأمة. فلما أن قرأ كيف يقتل الحسين ومن يقتله أكثر البكاء، ثم أدرج الصحيفة وقد بقي ما يكون إلى يوم القيامة] كتاب سليم بن قيس: ص ٤٣٤، تحقيق الأنصاري.

6- سليم بن قيس: ابن عباس می گوید: در ذی قار، خدمت علی (ع) رسیدم. صحیفه ای بیرون آورد و به من فرمود: «ای ابن عباس، این صحیفه ای است که رسول الله (ص) آن را برای من املا (دیگته) نمود و به (دست) خط من است». به ایشان

عرض نمودم: ای امیرالمؤمنین (ع) آن را برای من بخوان. ایشان آن را خواندند. در آن، تمام اتفاقات بود، از زمان از دنیا رفتن رسول الله (ص) تا به شهادت رسیدن حسین (ع) و این که چگونه به شهادت می‌رسد و چه افرادی او را یاری می‌دهند و چه افرادی با او به شهادت می‌رسند. ایشان گریه‌ی شدیدی نمود و مرا به گریه انداخت. از جمله مطالبی که برای من خواند این بود که با او چه رفتاری می‌کنند و این که فاطمه (س) چگونه به شهادت می‌رسد و چگونه حسن (ع) فرزندش، به شهادت می‌رسد و چگونه امت، با او پیمان شکنی می‌کنند. وقتی مطلبی که در مورد به شهادت رسیدن حسین (ع) را خواند و این که چه افرادی او را به شهادت می‌رسانند، گریه بیشتر شد. صحیفه پایان یافت و آنچه تا قیامت اتفاق می‌افتد، باقی ماند. (کتاب سلیم بن قیس: ص ۴۳۴، تحقیق انصاری)

الصدوق: [1- حدثنا جعفر بن علي عن أبيه، عن جده الحسن بن علي الكوفي، عن جده عبد الله بن المغيرة عن سالم عن أبي عبد الله (ع)، قال: أوصى رسول الله (ص) إلى علي (ع) وحده، وأوصى علي إلى الحسن والحسين جميعاً...] علل الشرائع: ج ۲ ص ۳۸۶.

7- صدوق: امام صادق (ع): «رسول الله (ص) به تنهایی به علی (ع) وصیت نمود و علی (ع) به حسن (ع) و حسین (ع)، به هر دو وصیت نمود...». (علل الشرائع: ج ۲ ص ۳۸۶)

الشریف الرضی: [حدثني هارون بن موسى، قال: حدثني أحمد بن محمد بن عمّار العجلي الكوفي، قال: حدثني عيسى الضرير، عن أبي الحسن، عن أبيه (عليهما السلام) قال: قال رسول الله (ص) حين دفع الوصية إلى عليّ (ع): يا عليّ أعدّ لهذا جواباً غداً بين يدي ذي العرش فأني محابك يوم القيامة بكتاب الله، حلاله وحرّامه، ومحكمه ومنتشابهه على ما أنزل الله، وعلى تبليغه من أمرتك بتبليغه، وعلى فرائض الله كما أنزلت وعلى أحكامه كلّها....] خصائص الأئمة: ص ۷۲.

8- شریف رضی: رسول الله (ص) هنگامی که وصیت را به علی (ع) داد، فرمود: «ای علی! برای این، پاسخی در فردای قیامت در پیشگاه عرش، آماده کن، زیرا من در روز قیامت، با کتاب خدا با تو احتجاج می‌کنم، حلال و حرامش و محکم و متشابهش، آن گونه که نازل شد و تبلیغ نمودنش به کسانی که به تبلیغ نمودن آنها به تو دستور دادم، و فرایض خدا، همان گونه که فرستاده شد و بر همه‌ی احکام خدا...».

(خصایص الائمة: ص ۷۲)

المجلسي عن ابن طاووس: [عن الكاظم، عن أبيه (عليهما السلام) قال: قال عليّ بن أبي طالب (ع): كان في وصية رسول الله (ص) في أولها: "بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما عهد محمد بن عبد الله (ص) وأوصى به وأسنده بأمر الله إلى وصية عليّ بن أبي طالب أمير المؤمنين (ع)"، وكان في آخر الوصية: "شهد جبرئيل وميكائيل وإسرافيل على ما أوصى به محمد (ص) إلى عليّ بن أبي طالب (ع)، وقبضه وصيته وضمانه على ما فيها على ما ضمن يوشع بن نون لموسى بن عمران عليهما السلام وضمن وأدى وصي عيسى بن مريم، وعلى ما ضمن الأوصياء قبلهم، على أن محمداً أفضل النبيين، وعلياً أفضل الوصيين، وأوصى محمد وسلّم إلى عليّ، وأقرّ عليّ وقبض الوصية على ما أوصيت به الأنبياء وسلّم محمد الأمر إلى عليّ بن أبي طالب، وهذا أمر الله وطاعته، وولاه الأمر على أن لا نبوة لعليّ ولا لغيره بعد محمد، وكفى بالله شهيداً"] بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۴۸۲.

9- مجلسی از ابن طاووس: امام کاظم (ع) از پدرانش: علی بن ابی طالب (ع) فرمود: «در اول وصیت رسول الله (ص) این مطلب بود: بسم الله الرحمن الرحيم. این عهد محمد بن عبدالله (ص) و آنچه به آن وصیت کرده است و آنچه به دستور خدا محکم نموده است، به وصیش، علی بن ابی طالب، امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد؛ و در آخر وصیت آمده است: جبرئیل و میکائیل و اسرافیل بر وصیت محمد (ص) به علی بن ابی طالب (ع) شهادت می‌دهند؛ و علی (ع) آن وصیت را گرفت و به آنچه در آن است، ضمانت داد، همان گونه که یوشع بن نون (ع) برای موسی بن عمران (ع) و

وصی عیسی بن مریم (ع) ضمانت و ادا نمود. همان طور که اوصیای قبل از آنها تعهد نمودند به این که محمد (ص) بهترین پیامبران، علی (ع) بهترین وصی‌ها است. محمد (ص) وصیت نمود و آن را به علی (ع) سپرد، و از من اقرار گرفت و وصیت را بنا بر آنچه انبیا به آن وصیت نمودند، گرفت. محمد (ص) امر را به علی بن ابی طالب (ع) داد. این دستور خدا و اطاعت او است. محمد (ص)، علی (ع) را به عنوان سرپرست قرار داد (و) این که بعد از محمد (ص)، چه برای علی و چه غیر از او پیامبری نیست، و خدا به عنوان شاهد کافی است». (بحار الانوار: ج ۲۲ ص ۴۸۲)

المجلسي: [كتاب الطرف للسيد علي بن طاووس، وكتاب مصباح الأنوار بإسنادهما إلى كتاب الوصية لعيسى الضرير، عن موسى بن جعفر (ع) قال: قال لي أبي: قال علي (ع) لما قرأت صحيفة وصية رسول الله (ص) فإذا فيها: يا علي غسلني ولا يغسلني غيرك .....] بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۵۴۶.

10- مجلسی: امام موسی کاظم (ع) می فرماید: «پدرم به من فرمود: موقعی که علی (ع) صحیفه‌ی وصیت رسول الله (ص) را خواند، در آن چنین بود: ای علی! تو مرا غسل بده و غیر از تو کسی مرا غسل ندهد...». (بحار الانوار: ج ۲۲ ص ۵۴۶)

قطب الدين الراوندي: عن محمد بن الفضيل عن الرضا (ع) في حديث دخول الكوفة واحتجاجه مع علماء اليهود والنصارى، ورد فيه: [ ... فإن رسول الله (ص) لما كان وقت وفاته دعا علياً وأوصاه، ودفع إليه الصحيفة التي كان فيها الأسماء التي خص الله بها الأنبياء والأوصياء] الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۳۵۱.

11- قطب الدين راوندي: محمد بن فضيل در حدیثی از امام رضا (ع) هنگام ورود ایشان به کوفه و احتجاج ایشان با علمای یهود و نصاری می گوید که در آن چنین آمده است: «... هنگامی که زمان وفات رسول الله (ص) فرا رسید، علی را صدا زد، به او وصیت نمود و صحیفه را به ایشان داد؛ همان صحیفه‌ای که در آن نام‌هایی که خدا،

پیامبران و اوصیا را به آن اختصاص داده بود، وجود داشت». (خرایج و جرایح: ج ۱ ص ۳۵۱)

محمد بن الحسن الصفار: [حدثنا محمد بن الحسين عن صفوان عن ابن مسكان عن حجر عن حمران عن أبي جعفر (ع) قال: ذكرت الكيسانية وما يقولون في محمد بن علي، فقال: ... إنَّ محمد بن علي كان يحتاج إلى بعض الوصية أو إلى شيء مما في وصية فيبعث إلى علي بن الحسين فينسخه له] بصائر الدرجات: ص ۱۹۸.

12- محمد بن حسن صفار: ... از امام باقر (ع): (از) مطالب کیسانیه و آنچه در مورد محمد بن علی می‌گفتند سخن گفته شد. ایشان (ع) فرمودند: «... محمد بن علی (ع) به بعضی از قسمت‌های وصیت یا چیزی از آنچه در آن بود، نیاز داشت. فردی را نزد علی بن حسین (ع) فرستاد و ایشان برایش نوشتند». (بصائر الدرجات: ص ۱۹۸)

وعنه أيضاً: [حدثنا محمد بن الحسين عن النضر بن شعيب عن عبد الغفار الجازي قال: ذكر عند أبي عبد الله (ع) الكيسانية وما يقولون في محمد بن علي، فقال: ألا تسألونهم عند من كان سلاح رسول الله (ص)، إنَّ محمد بن علي كان يحتاج في الوصية أو إلى الشيء فيها فيبعث إلى علي بن الحسين فينسخها له] بصائر الدرجات: ص ۱۹۸

13- محمد بن حسن صفار: عبدالغفار جازی می‌گوید: نزد امام صادق (ع) از کیسانیه و آنچه در مورد محمد بن علی می‌گویند، سخن به میان آمد. ایشان (ع) فرمود: «آیا از آنها نپرسیدید که سلاح رسول الله (ص) نزد چه کسی است. محمد بن علی (ع) به بعضی از قسمت‌های وصیت یا چیزی از آن، نیاز داشت. فردی را نزد علی بن حسین (ع) فرستاد و ایشان برایشان نوشتند». (بصائر الدرجات: ص ۱۹۸)

الخرزاز القمي: [... عن الزهري قال: دخلت على علي بن الحسين (عليهما السلام) في المرض الذي توفي فيه ... ثم دخل عليه محمد ابنة فحدثه طويلاً بالستر،

فسمعتنه يقول فيما يقول: عليك بحسن الخلق، قلت: يا ابن رسول الله إن كان من أمر الله ما لا بد لنا منه - ووقع في نفسي أنه قد نعى نفسه - فإلى من يختلف بعدك؟ فقال: يا أبا عبد الله إلى ابني هذا وأشار إلى محمد ابنه أنه وصيي، ووارثي، وعبية علمي، معدن العلم، وباقر العلم... قلت: يا ابن رسول الله هلا أوصيت إلى أكبر أولادك؟ قال: يا أبا عبد الله ليست الإمامة بالكبير والصغير، هكذا عهد إلينا رسول الله (ص)، وهكذا وجدناه مكتوباً في اللوح والصحيفة... [كفاية الأثر: ص ٢٤٣].

14- خراز قمی: زهری می گوید: هنگام بیماری ای که باعث وفات علی بن حسین (ع) شد، خدمتشان رسیدم... سپس محمد، فرزندش آمد و مدت طولانی، پنهانی با او سخن گفت. در مطالبی که می فرمودند، شنیدم که می فرمود: «بر تو باد به اخلاق نیکو». عرض نمودم: ای فرزند رسول الله (ص)، ناچار دستور خدا در مورد ما اجرا می شود (و همان موقع پیش خودم گفتم که) بعد از شما نزد چه فردی برویم؟ فرمودند: «ای ابوعبدالله! به سمت این فرزندم» و به فرزندش، محمد اشاره نمود (و فرمود: «ایشان، وصی و وارث من و جایگاه علم و معدن علم و شکافندهی علم است...»). عرض نمودم: ای فرزند رسول الله (ص)، آیا به بزرگترین فرزندان وصیت نمی کنی؟ فرمود: «ای ابوعبدالله! امامت به بزرگی و کوچکی (سن) نیست. این گونه است عهد رسول الله (ص) بر ما و این گونه در لوح و صحیفه یافتیم...». (کفاية الاثر: ص ٢٤٣)